



صلاحیت های دیوان کیفری بین المللی و جرایم مورد تعقیب

سید محمد مهدی غمامی
منبع : www.ICC.org



مقدمه

دیوان بین المللی کیفری (ICC) ، اولین دادگاه بین المللی کیفری است که مسئولیت پیگیری « درناکترین جنایتی که موجب نگرانی جامعه بین الملل شده است . » را دارد . (دیباچه و ماده ۵ اساسنامه رم)
جامعه بین المللی قبل از دیوان مذکور ، تا به حال چندین دادگاه بین المللی کیفری را تجربه کرده است که مسئولیت آن دادگاهها هم رسیدگی به جنایات دلخراشی بود که دغدغه های جهانی را بطور گسترده ای برانگیخت .

معاهده ورسای (پاریس ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹) بعد از جنگ جهانی اول ، دادگاه بین المللی کیفری خاصی را پیش بینی کرد لکن این دادگاه هرگز تشکیل نشد . پس از آن که جنگ جهانی دوم تمام شد ، کشورهای فاتح با تشکیل دو دادگاه بین المللی کیفری (دادگاه بین المللی نورنبرگ و دادگاه بین المللی توکیو) ، به تعقیب و مجازات سران متحدين پرداختند و در مجموع ۴۹ نفر را محکوم کردند .

بعد از اتفاقات مذکور ، جامعه ملل بطور جدی به دنبال تأسیس دادگاه بین المللی کیفری دائم افتاد و در سال ۱۹۵۰ اصول این دادگاه پذیرفته شد ، ولی آنچه مایه تأسف روزافزون می گشت عدم همکاری دول قدرتمند و بعضاً چون آمریکا در رد بدهیبات بود . به هر ترتیب این مسئله ای شد که تا هم اکنون ادامه دارد و حتی خواسته هایی چون مصونیت از پیگرد دادگاه مذکور ، برای این دول موضوعی مهم است که توازن سازمانهای بین الملل را به هم زده است .

جامعه بشر که هر روز در نقطه ای از جهان مورد تجاوز واقع می شود و هنوز هم آن رفتارهای غیر انسانی در امان نیست ، در سال ۱۹۹۳ سومین دادگاه بین المللی کیفری را در مورد رسیدگی به جنایات سران یوگسلاوی شاهد بود و دیری نپایید که در سال ۱۹۹۴ دادگاه دیگری در رسیدگی به جنایات رخ داده در رواندا برگزار شد . وقایع اندوهباری که گزینش شده ، مورد بررسی قرار می گرفت عزم بشریت را جزم کرد تا به دنبال راهکاری باشد تا حداقل نسبت به درناکترین جنایات ، پاسخ مناسبی بدهد . و این سرآغاز مهمترین

نقطه ای از حرکت شد که کمیته ای مقدماتی (سال ۱۹۹۶) برای استقرار دیوان بر اساس طرح اساسنامه این دادگاه (۱۹۹۴) به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه شود .
۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ در رُم اجلاسی برگزار شد که نمایندگان تام الاختیار ۱۶ کشور در آن حاضر شدند و درباره مهمترین مسئله کیفری جامعه ملل به گفتگو پرداختند و نتیجه آن شد که در رُم اساسنامه ای با ۱۲۰ رأی موافق ، ۷ رأی مخالف و ۲۱ رأی ممتنع تصویب شد . و بنام اساسنامه رُم منظر آن بود تا با تصویب حداقل ۶۰ کشور ، لازم الاجرا شود . ۱۱ آوریل ۲۰۰۲ ، با توزیع سند تصویب همزمان ۱۰ کشور ، اساسنامه رُم اقتدار قانونی یافت . و این نتیجه درسی بود که در کلام پر معنای ساتائایانا ، جامعه بشر را به واکنش برانگیخت ، « آنهایی که در سالهای گذشته را از یاد ببرند محکومند تا اشتباه های خود را تکرار کنند » .

دیوان بین المللی کیفری در ۱۱ مارس ۲۰۰۳ با سوگند ۱۸ قاضی و در ژوئن همین سال با تحلیف دادستان منتخب مجمع عمومی ، رسماً شروع به کار کرد . دیوان مذکور ، در قالب ۵ رکن اساسی ، بخش مقدماتی ، بدوی تجدیدنظر ، دفتر دادستان ، دبیرخانه ، مسئول رسیدگی جنایاتی شد که در اساسنامه دیوان (۱۲۸ ماده) بر آنها تصریح شده است .

صلاحیتهای دیوان

دیوان هنگامی میتواند به بررسی موضوعی پردازد که دولتی در آن جنایت (بر شمرده شده بوسیله ماده ۶ و ۷) رخ داده است . صلاحیت دیوان را پذیرفته باشد و یا آنکه مسئله به قدری حاد بوده که شورای امنیت آنرا به دیوان اهاله داده باشد ، البته دادستان می تواند به اختیار خود و تحت شرایطی به تحقیقات لازم پردازد که اگر ادله برای ادامه تحقیقات توانست به شعبة مقدماتی ارائه کند ، صلاحیت پیگیری مسئله را پیدا می کند .

همانطور که می دانیم هم اشخاص حقیقی و هم اشخاص حقوقی ، در قوانین کیفری کشورها دارای مسئولیت کیفری هستند و دادگاههای ملی می توانند در مورد هر دوی آنها حکم کیفری صادر کنند . اگر چه نظریاتی مبنی بر

عدم مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی می باشد ولی حداقل آن است که قانونگذاران همگی در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به اجماع رسیده اند . ولی به دلیل ملاحظات متعددی ، دیوان هم صلاحیت بررسی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را ندارد . (ماده ۲۵) . این مسئله بیشتر از جهت سیاسی قابل طرح است چون در همان اجلاس رم ، بعضی از کشورها به علل مختلفی خواستار عدم مسئولیت اشخاص حقوقی بودند که بی راه نخواهد بود اگر تصور کنیم که خواسته های نامشروعی نیز در میان بوده است . علاوه بر این مسئله دیوان بین المللی کیفری تنها می تواند به جنایات انجام شده توسط افراد عاقل و بالغ که عمداً و عالماً مرتکب جنایت شده اند رسیدگی کند .

در اساسنامه دیوان تصریح شده است که افراد زیر ۱۸ سال را نمی توان تحت پیگرد قرار داد ، اگر چه این مسأله در مورد دیوان است و مانع آن نمی شود تا دستگاههای قضایی ملی (دولت متبوع متهم یا دولتی که در آن جنایت صورت گرفته یا دولتهای قربانیان جنایت) به محاکمه وی پردازند .

مسئله مهم دیگر در مورد متهمین این است که عنصر روانی برای احراز جنایت ، برای دادگاه از ملاکهای اساسی است . بر اساس ماده ۳۰ ، صرف اقدامات جنایتکارانه یک فرد ، موجب محکومیت وی نمی شود مگر اینکه عنصر مادی جنایت با عنصر روانی (علم و عمد) همراه باشد . طبق اساسنامه علاوه بر عنصر روانی باید قاتل به یک قضاوت ارزشی هم شد ، قضاوتی مبنی بر اینکه عمل ارتکاب یافته « غیر انسانی » یا « حاد و وخیم » است . تمام موارد بالا ، علاوه بر اینکه دادگاه معتقد به یکسری عوامل رافع و مانع مسئولیت هم می باشد باعث می شود تا اساسنامه ، دیوان را ملزم کند تا از واژه « عامل » همواره بهره گیرد تا نسبت به « مجرمیت » یا « بی گناهی » کاملاً خنثی باشد .

همانطور که در ابتدا بیان کردیم دیوان تنها نسبت به دولتهای عضو یا دولتهایی که اعلامیه ای مبنی بر صلاحیت دیوان صادر کرده اند و یا مواردی که از سوی شورای امنیت اهاله می شود صالح است . علاوه بر اینکه صلاحیت

دیوان تکمیلی است به عبارت واضح تر ، دیوان مرجع قضایی ای در امتداد دادگاه های کیفری ملی است . ماده ۱۷ اساسنامه براین نکته که مرجع صالح اولی برای رسیدگی ، دادگاه های ملی است تأکید می کند و ۴ مورد را برمی شمارد که دیوان نمی تواند در آن موارد به بررسی جنایات (مورد ماده های ۶ و ۷ و ۸) بپردازد .

۱) موضوع توسط دولتی که نسبت به آن صلاحیت دارد در دست تحقیق و بررسی است .

۲) موضوع توسط دولتی که نسبت به آن صلاحیت دارد بررسی و تحقیق شده و دولت مزبور تصمیم گرفته که شخص مورد نظر را تحت تعقیب قرار ندهد .

۳) شخص مورد نظر محاکمه شده است .
۴) موضوع آنقدر مهم نیست که دیوان آنرا تعقیب کند .

البته برای دیوان این مسئله مهم خواهد بود که دولت مزبور برای تعقیب آن شخص دچار «فقدن اراده» یا « ناتوانی » یا «سوءنیت» نباشد. برای مثال اگر دادگاه احراز کند که

الف) دولت مزبور به محاکمه شخص مورد نظر بصورت صوری پرداخته است تا وی را در قبالت صلاحیت دیوان مصون نگه دارد .

ب) یا دادرسی بطور کاملاً واضحی یک طرفه و بدور از انصاف بوده است

می تواند خود نیز اعمال صلاحیت کند و برای آنکه ملاکی درباره سوءنیت هم ارائه شود تنها لازم است فهمیده شود که «قصد مصون نگه داشتن شخص مورد نظر» در میان بوده است .

جرائمی که در صلاحیت رسیدگی دیوان است

طبق ماده ۵ اساسنامه رم ، صلاحیت دیوان در رسیدگی به دردناکترین جنایاتی است که موجب نگرانی جامعه بین المللی شده است .

براساس اصل قانونی بودن جرم و مجازات ، تنها جنایاتی که در اساسنامه به آنها اشاره شده است قابل پیگرد از سوی دیوان بین المللی کیفری است . این دادگاه علاوه بر سایر شرایط ، تنها نسبت به جنایات پس از یکم ژوئیه ۲۰۰۲ صالح است و البته مرور

زمان به هیچ وجه مانع رسیدگی به موارد مذکور در اساسنامه هم نخواهد بود .

طبق مواد ۶ و ۷ و ۸ اساسنامه رم ، دیوان بین المللی کیفری ، می تواند نسبت به جنایات کشتار جمعی ، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی برشمرده شده ، به تحقیق و بررسی و دادن حکم بپردازد با این حال به طور کلی جنایاتی چون تجاوز ، تروریسم و موادمخدر مورد توافق مجمع عمومی دیوان قرار گرفته است ولی در مورد مصادیق آن هنوز اجماعی حاصل نشده است در نتیجه در حال حاضر ، دیوان در مورد ۳ دسته از جنایات می تواند اعمال صلاحیت بکند ، ما نیز تنها در حد برشمردن ، به این جنایات اشاره خواهیم کرد .

ماده ۶ اساسنامه رم ، جنایات کشتار جمعی را تعریف کرده است و موارد آنرا برشمرده است . طبق ماده ۶ اساسنامه :

« جنایت کشتار جمعی اعمال مذکور زیر است که به قصد از بین بردن همه یا بعضی از یک گروه ملی قومی یا نژادی یا دینی صورت می گیرد :

۱) قتل اعضای گروه
۲) صدمه شدید به تمامیت فیزیکی یا روانی اعضای گروه

۳) قرار دادن عمدی اعضای گروه در شرایطی که منجر به تخریب مادی همه یا بعضی از اعضای گروه می شود

۴) تحمیل اقداماتی که مانع تولیدمثل شود

۵) انتقال اجباری کودکان»
در ادامه ماده ۷ اساسنامه جنایات علیه بشریت را برمی شمارد که اولین بار در دادگاه نورنبرگ به آن اشاره شد .

« جنایات علیه بشریت عبارت است از هر یک از اعمال یازده گانه زیر که بصورت گسترده و سازمان یافته بر علیه یک گروه غیرنظامی ارتکاب یابد این حمله باید در اجرای یا برنامه های مورد نظر یک دولت یا سازمان انجام گیرد :

۱) قتل
۲) نسل کشی
۳) به بردگی کشیدن
۴) تبعید یا انتقال اجباری جمعیت
۵) حبس یا سایر محرومیت های شدید از آزادی فیزیکی

۶) شکنجه

۷) تجاوز ، برده گیری جنسی ، فحشای اجباری ، حاملگی اجباری ، عقیم سازی اجباری یا هر شکل خشونت جنسی

۸) آزار

۹) اجبار به پنهان شدن

۱۰) آپارتاید

۱۱) سایر اعمال غیرانسانی

ماده ۸ ، در مورد جنایات جنگی بحث می کند . جنایاتی که در اساسنامه دیوان آمده است اکثراً مربوط به آیین نامه های لاهه یا کنوانسیون های ژنو است ، که البته به عرفهای حاکم در مخاصمات مسلحانه بین المللی نیز توجه به ویژه ای شده است . ماده ۸ بطور موردی ، موارد ذیل بحث جنایات جنگی را بصورت زیر بیان می دارد :

۱- تخریب یا توقیف اموال دشمن

۲- استتکاف از احترام به حقوق نیروهای متخاصم (طبق کنوانسیون لاهه)

۳- اجبار به شرکت در عملیات نظامی

۴- غارت

۵- بکارگیری سم یا سلاحهای شیمیایی

۶- بکارگیری گلوله های منبسط شونده یا پخش شونده یا مواردی که در ضمیمه اساسنامه ذکر شده است

۷- صدمه به شرافت انسانی (سرقت جنسی ، به بردگی جنسی گرفتن ، فحشای اجباری ، حاملگی اجباری ، عقیم سازی اجباری ، سایر تجاوزات جنسی)

۸- بکارگیری سپر انسانی

۹- صدمه علیه اموال یا اشخاص و یا بکارگیری علامات مبین نیروهای پیش بینی شده از سوی کنوانسیون ژنو

۱۰- گرسنگی دادن شهروندان به عنوان روشی برای جنگ

۱۱- بکارگیری ، اسم نویسی یا استخدام کودکان در جنگ

۱۲- گروگان گیری

۱۳- قطع عضو

۱۴- صدمه به شهروندان

۱۵- حمله علیه اشخاص یا اموالی که در چارچوب کمکهای انسان دوستانه یا حفظ صلح



the International Criminal Court

گواه